

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۶ اگست ۲۰۱۴

دورنمای کردستان ایران و منطقه خاورمیانه!

بنابه به دلایل چندی، کردستان از پتانسیل مبارزاتی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. سرمایه‌داران و حاکمان زورگو، تاکنون تلاش فراوانی نموده‌اند تا اعتراضات خلق ستمدیده کرد را در جهت منفعت طبقاتی خود سازمان دهند. نیروهای خودی را به درون جنبش روانه نموده‌اند تا از گسترش و نضج‌گیری آن ممانعت به عمل آورند.

به گمانی، بالا و پائینی جنبش اعتراضی مردم کردستان هم، بهمانند دگر جنبش‌های توده‌ای، قابل رویت است و به ویژه در این چند دهه، خلق رزمنده کرد - و علی‌رغم تسلط بخش‌های وسیعی از مناطق کردستان در سه ساله اول حاکمیت جمهوری اسلامی -، در موقعیت و وضعیت بس اسفباری قرار گرفته است. جنبش مسلحانه‌ای که از چند سو و جهت، مورد یورش قرار گرفت و گام به گام به عقب نشست؛ جنبشی که در دوره معینی از تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی میهن‌مان، به سنگر مبارزات توده‌های ستمدیده و انقلاب ایران تبدیل گشته بود و حیات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به مخاطره جدی انداخت.

جنبش کرد، جنبش مسلح بود و پُر واضح است که سرمایه از سازماندهی و از تسلیح دوباره آن واهمه دارد؛ پُر واضح است که تمامی تلاش سرمایه‌داران بر آن است تا هر جنبش خفته و به ویژه جنبش کردستان را از درون تهی سازند و مانع بالا آمدن تحریکات رادیکالش علیه حاکمان گردند. سه دهه مخالفت جدی، و سه دهه اعلان تنفر و انزجار از سیاست‌های به‌غایت غیر انسانی دولت‌مردان جمهوری اسلامی، و سه دهه پایداری و وفاداری به یگانه آرمان و مطالبات لگدمال شده، این جنبش و توده‌های کرد را، در صف یکی از مقدمان مبارزات کارگری - توده‌ای قرار داده است.

اگر چه رژیم جمهوری اسلامی به‌دلیل سیاست‌های ممانشات‌طلبانه و انحرافی سازمان‌ها و احزاب کرد توانست بر سرتاسر کردستان حاکم گردد؛ اگر چه توانست با تبنایی بعضاً احزاب کرد جنبش را به عقب براند، اما در عوض قادر نگردیده است تا بر افکار انقلابی و بر روحیه مخالفت‌جویانه خلق ستمدیده کرد تسلط یابد. متأسفانه جنبش مسلحانه کرد را به عقب نشانند و در دورانی که این جنبش می‌توانست به‌عنوان پرچمدار مبارزات ضد امپریالیستی، با نظام جمهوری اسلامی تصفیه حساب کامل نماید، را به کج‌راه بُردند. در یک جمع‌بندی کوتاه، حکمیت ایده‌های به‌غایت نادرست و انحرافی و چشم‌داشت‌های حزبی - گروهی، و به تبع آن‌ها فقدان برنامه‌های

سیاسی - اقتصادی و نظامی، در مناطق غیر نفوذ رژیم جمهوری اسلامی، باعث گردیده است تا رهائی مردم کُردستان از زیر ستم و از بی‌عدالتی‌های طبقه سرمایه‌داری به تأخیر افتد.

جنبش کُردستان پس زده شد و مطالبات به‌حق و پایمال شده‌اش به‌مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی پا بر جا ماند. به همین دلیل این جنبش نیاز به نگاه رو به جلو دارد؛ نیاز به تصفیة لمیدگان درون خود دارد؛ نیاز به آن دارد تا سیاست‌های سازش‌کارانه احزاب، جریان‌ها و دار و دسته‌های سرمایه را از خود براند و بر شفافیت و بر ایده‌های سالم خود پای فشارد. اگر نگوئیم دهه‌های دُور، ولی و به جرأت می‌توان گفت که در یکی دو دهه اخیر، حامیان به اصطلاح منافع توده‌ها، این جنبش را ملعبه سیاست‌های به‌غایت منفعت‌طلبانه خود قرار داده‌اند و در صددند تا صحنه کُردستان ایران را، به میدان تصادمات خود و دیگر سرمایه‌داران تبدیل سازند؛ می‌خواهند اوضاع مناطق توده‌های ستمدیده کُرد ایران را به‌مانند دیگر مناطق جنگ‌زده تبدیل نمایند تا نقشه‌های شوم و هدفمند امپریالیست‌ها در بخشی از منطقه خاورمیانه از حرکت باز نه ایستد. شوربختانه آمادگی بسیار فراوانی از جانب برخی به اصطلاح نمایندگان سیاسی مردم کُردستان پیرامون اجرائی عملی سیاست‌های جنگ‌افروزانه امپریالیستی وجود دارد؛ نمایندگان سیاسی که به انتظار فرمان و کمک قدرت‌مداران بزرگ جهانی نشسته‌اند تا بر رسالت و بر وظایف تاریخی خویش جامه عمل ببوشانند. خشت کُردستان را این‌گونه می‌چیند و به دنباله آن‌ها بی‌وظیفگی عملی و هم‌سویی بعضاً احزاب کُرد با سیاست‌ها و با تمایلات و خواسته‌های دولت‌مردان بزرگ جهانی در منطقه کُردستان ایران هم مبین این واقعیت است که نیروهای درون جنبش کُردستان، با خواسته‌ها و با مطالبات به‌حق مردم منطقه فاصله گرفته‌اند و کاری به نیازهای واقعی و عملی خلق کُرد ندارند. سرمایه با هدف‌مندی و با نقشه روشن، و با اتخاذ سیاست‌های سرکوب‌گرایانه، مناسبات دل‌خواه خود را به اپوزیسیون بیرونی نظام‌های امپریالیستی تحمیل می‌کند و در مقابل، جامعه و مردم کُردستان فاقد برنامه و سیاست‌های مستقل و روشن از جانب مدعیان هدایت مبارزات کارگری - توده‌نیست. باری، چنین روند و اوضاعی بر فضای تمامی جوامع منطقه خاورمیانه و همچنین بر منطقه کُردستان ایران سایه انداخته است و بی‌دلیل هم نیست که دولت‌مردان بزرگ جهانی، از یکسو با جنگ‌های ساختگی و ارتجاعی از نوع سوریه، افغانستان و عراق سیاست‌های خود را پی می‌گیرند و از سوی دیگر جنبش‌های اعتراضی رادیکال را در نطفه خفه می‌سازند.

در حقیقت دهه‌هاست که راه‌اندازی جنگ، تحریک و بی‌ثبات نمودن جوامع متفاوت به سیاست و به هدف سرمایه‌داران بین‌المللی تبدیل گشته است و سودجویان بزرگ بر آنند تا بر دامنه تنش و هرج و مرج مناطق پُرسود بیفزایند؛ بر آنند تا با ارسال بیش از این سلاح‌های جنگی به منطقه خاورمیانه و با توپ و با خمپاره‌باران نمودن خانه و کاشانه مردم محروم و دردمند، از بحران دائم‌التزاید خویش بکاهند؛ بر آنند تا مبادا کارخانجات نظامی آنان - و آن‌هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ممر درآمد -، از رونق بیفتد و پایه‌های حاکمیت ننگین‌شان سست شود؛ بر این اندیشه‌اند تا با تخریب هر چه بیشتر زندگانی مردم و زیرساخت‌های جوامع متفاوت، از بحران کنونی بدر آیند تا عمر و حاکمیت‌شان را طولانی‌تر نمایند. مسلماً تحقق چنین ایده‌های شومی، نیازمند جنگ‌های ساختگی و بر هم زدن "آرامش" از نوع کُردستان عراق، ایران و ترکیه می‌باشد. چرا که آرامش منطقه این‌روزها، منطبق با منفعت سرمایه‌داران بین‌المللی نیست و می‌بایست با طرح و با اتخاذ سیاست‌های تازه و همچنین، با علم نمودن نیروهای مسلح و مرتجع هم‌چون داعش، فضا را به فضای متشنج و جنگ‌های خودساخته تبدیل نمود؛ می‌بایست اسلحه "پیشمرگه"های کُردستان عراق را از حالت رکودی به در آورد و منطقه کُردستان عراق را به‌مانند دیگر مناطق عراق مبدل ساخت. به هر حال زنگ جنگ ارتجاعی در کُردستان عراق را نواخته‌اند و طبقاً دامنه آن، دیر و یا

زود، دیگر مناطق گردنشین همچون ایران و ترکیه را فرا خواهد گرفت. این سیاست و مقصود کلی امپریالیست‌ها از "خاورمیانه بزرگ" است و می‌بایست تجزیه منطقه بر اساس منفعت و خواست امپریالیست‌ها به پیش رود و جوامع تازهای، باز تولید شود.

دنیا را فقر، جنگ و بحران سیاسی - اقتصادی فرا گرفته است و امپریالیست‌ها به منظور دستیابی هر چه بیش‌تر به منابع طبیعی، زندگی را بر میلیاردها انسان محروم تلخ می‌نمایند و طبعاً منطقه خاورمیانه هم از این قاعده کلی مستثنی نیست و آماده تغییر و تحول، و انفجار است. می‌دانند که تنفر و انزجار مردم، این منطقه از نظام‌های سرمایه‌داری به بالاترین حد ممکنه رسیده است و بیهوده نیست که به منظور کنترل و پیشگیری اعتراضات رادیکال مردمی، دولت‌ها را جابه‌جا می‌نمایند تا منفعت درازمدت‌شان حفظ گردد؛ جابه‌جائی‌هایی که تضمین‌کننده منفعت طبقات بالائی‌هاست و اصلاً و ابداً ربطی به خواسته‌ها و به مطالبات کارگران و زحمت‌کشان - نداشته و - ندارد. کم‌ترین تردیدی نیست که مردم گردستان هم به‌مانند دیگر توده‌های ستم‌دیده از دست جمهوری اسلامی زله‌اند و جان‌شان به لب‌شان رسیده است و خواهان لت و پار نمودن سردمداران ایران‌اند. چنین روحیه و خواستی عمومی‌ست و مشاهده شده است که چگونه پائین‌ترین حرکت بی‌مایه و سازماندهی شده از جانب جناح‌های متفاوت رژیم و سرمایه، فضای جامعه ایران را متغیر می‌سازد و خیابان‌ها را به تصادمات علنی مبدل می‌سازد. نمونه‌ها فراوان‌اند و آنچه در این بُرهه از زمان قابل تأکید می‌باشد، آن است که کارگران و زحمت‌کشان ایران و خلق رزمندگُرد، به‌مانند دیگر توده‌های ستم‌دیده ایران و منطقه، نیازمند هشداری بیش از این می‌باشند. در درجه نخست نیاز به مرزبندی روشن و قاطع علیه دار و دسته‌های ارتجاعی و سرمایه دارند و در ثانی نیازمند حرکت سازمان‌یافته قبل از اجرای عملی نقشه‌های شوم امپریالیستی، همچون نقشه افغانستان، عراق و سوریه و دیگر جوامع منطقه خاورمیانه می‌باشند. چرا که ورود و خروج از اوضاع انتخابی سرمایه‌داران، روند و پیش‌رفت اعتراضات رادیکال را کند و محرومان را آواره‌دیاری دیگر، و آنان را از انجام انقلاب به دور خواهد ساخت. چرا که راه‌اندازی انقلاب تودمئی با حضور کارگران و زحمت‌کشان و با سازماندهی آنان از جانب نیروهای کمونیستی سالم و عمل‌گرا معنا می‌یابد و جامعه بدون مردم، به جامعه تخاصمات و به کانون تضادهای دار و دسته‌های سرمایه تبدیل خواهد شد که ما این روزها تجلی آنرا داریم در لیبیا، سوریه، عراق، افغانستان و غیره به‌عینه مشاهده می‌کنیم.

خلاصه دخالتگری‌ها و حضور مستقیم امپریالیست‌ها در منطقه از یکسو و همچنین فقدان سازمان‌ها و احزاب سالم و کمونیستی در صحن جامعه از سوی دیگر، بر این حقایق تلخ صحه می‌گذارد که دُورنمای روشن و شفافی در مقابل مردم منطقه خاورمیانه و همچنین در برابر توده‌های ستم‌دیده گرد ایران نیست و مسلماً فرار از اوضاع ساختگی و خانه‌خراب امپریالیستی، منوط به تحرکات مستقل حامیان منافع جنبش‌های مردمی و خلق رزمندگُرد می‌باشد. با این اوصاف بر هر نیرو و بر هر سازمان مدعی هدایت جنبش‌های اعتراضی مردم ایران و گردستان است تا توده‌ها را در خلاف خواسته‌ها و سیاست‌های دولت‌مردان بزرگ جهانی و نیروهای مرتجع سازمان دهند و گام به‌گام، دشمنان طبقاتی مردم را از مناطق و منطقه خودی به عقب رانند. تنها در چنین شرایطی‌ست که می‌توان آسایش و امنیت توده‌های محروم را تضمین و دُورنمای روشنی را برای خلق رزمندگُرد و دیگر توده‌های ستم‌دیده متصور نمود.

اگست ۲۰۱۴

۲ شهریور [سنبله] ۱۳۹۳